

ترتین، عنصر اصلی در زیبایی شناسی هنر ایران

شهره جوادی
استادیار گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

shjavadi@ut.ac.ir

چکیده

آفرینش زیبایی در هنر ایران بر اصل ترتین استوار است.

در معماری ایرانی قبل و پس از اسلام، عنصر ترتین نقش اساسی دارد و حضور ترتینات که عمدتاً پرکار و متنوع می‌باشند از معماری و ساختمان جلیبی ناپذیر است.

از دوره هخامنشی و ساسانی و پس از اسلام تا پایان دوره قاجار شاهد زیبایی شناسی مبتنی بر ترتین هستیم.

نقاشی ایرانی نیز در عین روایت گری، سراسر ترتین است. آنچه از نقاشی‌های قبل از اسلام سراغ داریم، معمولاً با موضوعات شکار و جنگ شاهان است. شخصیت‌های ترسیم شده در این صحنه‌ها با لباسها و جواهرات و آلات و ابزارشان، پر از نقش و نگارهای زیبا و متنوع است. البته این نگاره‌ها علاوه بر عناصری که از طبیعت الهام گرفته شده بعضاً اسطوره‌ای و نمادین نیز می‌باشند.

در نقش برجسته‌هایی که از دوره هخامنشی و ساسانی بر جای مانده و صحنه‌هایی مانند تاج‌گذاری، شکار و جنگ را به نمایش گذاشته است، می‌توان نمادهای ترتینی را به وفور مشاهده نمود. هنرهای دستی که در خدمت زندگی روزمره مردم بوده مانند فرش و پارچه نیز به نقوش ترتینی آراسته می‌باشند.

کلیدواژه: ترتین، زیبایی، نقاشی، معماری، نماد، طبیعت، باورها و اعتقادات.

مقدمه

اما به تدریج و در دوران اسلامی بسیاری از اشکال و عناصر نمادین که باقی مانده فقط به عنوان نقش مایه تلاوم یافته است و دیگر بار فرهنگی و اعتقادی گذشته را دارا نمی‌باشد.

بر اثر تکرار و تلاوم نقوش طی دوران طولانی طبیعاً مهارت و تنوع در آفرینش زیبایی مبتنی بر ترتین افزوده شده و تاکنون نیز در هنرهای مختلف ایرانی حضور دارند.

فرضیه

زیبایی شناسی هنر ایران بر اصل ترتین استوار است؛ و معمولاً عناصر ترتینی از باورها و عقاید کهن مردم ریشه گرفته است.

اصل «زیبایی» به اعتقاد بسیاری از نظریه پردازان «جوهر هنر» بوده و از اینروست که پرداختن به موضوع زیبایی و تعریف و تحلیل آن لازمه شناخت هنر می‌باشد البته منظور از زیبایی همان زیبایی نسبی است که در میان اقوام و ملل مختلف با ویژگیهای مختلف و صورت‌های گوناگون ظاهر می‌شود. چنانکه در هنر اقوام کهن در شرق و غرب عالم زیبایی در قالب ترتینات تجلی یافته و بخصوص در هنر شرق نقش ترتین بسیار قوی می‌باشد اما معانی و مفاهیم متفاوتی در ورای ترتینات نهفته است که معمولاً ریشه در باورهای اساطیری و دینی اقوام دارد.

موضوع مورد بحث نقش اصلی و اساسی ترتین در هنر ایران است که به صورت‌های طبیعت‌گرا و نمادین تجلی یافته و در دوران باستان عناصر بسیار قوی بوده است.

تزئین عنصر جدایی‌ناپذیر در هنر ایران

توجه به تزئین را در آثار هنری اقوام کهن در شرق و غرب عالم شاهد هستیم و هر چه به گذشته رجوع کنیم، هنرها غالباً با تزئینات ظریفتری آمیخته‌اند آنچه در این مقاله به معرفی و تحلیل آن پرداخته شده، نقش تزئین در زیبایی آفرینی هنر ایران است.

پس از تعاریفی چند از تزئین و زیبایی به نمونه‌هایی از زیبایی آفرینی متکی بر تزئین در شاخه‌های مختلف هنر ایران مانند معماری و تزئینات آن، نقاشی، نقش برجسته و نقش و نگارهای موجود بر فرش، ظروف و اشیاء پرداخته شده است. درک و شناخت زیبایی در میان اقوام کهن بر اساس توجه به طبیعت و تقلید از آن به شکل ارائه تزئینی بوده است. با رجوع به تعاریف و تعبیری که از زیبایی شده غالباً زیبایی را با تزئین عجین و آمیخته می‌بینیم. فلسفه تزئین در هنر ایران آفرینش زیبایی و بهره‌وری است. بهره‌وری به معنای سودمند بودن است. البته این سودمندی گاه جنبه مادی دارد و گاه معنوی.

واژه زیبا به معنای زینده بودن و تناسب داشتن است و نه قشنگی (جمال) پیرنیا در باب پرهیز از بیهودگی در معماری ایران می‌گوید: «این اصل (پرهیز از بیهودگی) در معماری قبل از اسلام بوده و بعد از اسلام نیز مورد تأکید و استفاده قرار گرفته است.» در آیه سوم سوره مومنون می‌خوانیم: و اللذین هم عن اللغو معرضون، یعنی آنان که از بیهودگی روی گرداندند. به طور مثال استفاده از کاشی نه فقط جهت زیبایی، بلکه جهت استحکام بخشی به بنا نیز بوده است. (پیرنیا، ۱۳۶۹) ابهت و جنبه روحانی هنر باستان ایران به سبب آن است که کمال آن در تزئین مطلق است. (پوپ، ۱۳۸۰)

معماران ایرانی در دوره اسلامی برای تزئین و آرایش ابنیه خود کاشیهای مسطح را به کار برده‌اند و در حقیقت از تزئینات برجسته معماری که ابنیه اروپایی و هندی را سنگین کرده و باری بر آنها شده، خودداری نموده‌اند.

اتفاقاً این زینتهای معماری مسطح و بی سایه یکی از بزرگترین عوامل وضوح، سادگی و آرامش و نمونه کامل ذوق و سلیقه بی‌مانندی است که همیشه در فن معماری ایرانی تجلی می‌یابد و زیبایی و ابهت ممزوج با اعتدال به آنها می‌بخشد و برای این که تفاوت زیادی را که میان اینها و سایر ساختمانهاست مشاهده کنیم، در اثر این مقایسه

خواهیم دید که چگونه دیوارهای ابنیه هندی در زیر بار سنگین زینتهای برجسته معماری ساختمان را از سادگی طبیعی خارج نموده و به مجموع ساختمان یک وضع اضطراب و بیچیدگی داده است. (زکی، محمد حسن، ۱۳۷۷)

تعالد و تناسب نقوش و رسوم و به کار بردن ذوق سلیم که ایرانیان در تزئین ابنیه خود به کار برده و معماران آنها بدان آشنا بوده‌اند، عظمت و ابهت بی‌نظیری به این ابنیه داده است...

به طوری که شخص در ابنیه ایرانی به هر طرف که نظر اندازد منظره جدیدی مشاهده می‌کند و از دیدن آنها مانند سایر ابنیه غیر ایرانی دل گرفته نمی‌شود. (زکی، محمد حسن، ۱۳۷۷)

احتمالاً منظور نویسنده از این توصیف و کلمه "دل گرفته" این باشد که در تزئینات معماری ایرانی، تنوع نقش مهمی دارد چنانچه در مقایسه تزئینات ایرانی با سایر ملل اسلامی این امر به وضوح مشخص است که تا چه اندازه تنوع به جهت فرم و رنگ در تزئینات ایرانی وجود دارد واژه دل گرفته به منظور یکنواختی کسالت آور است که در بعضی ابنیه و تزئینات آن در ممالک اسلامی مشاهده می‌شود.

"سبکهای فنی ایران که در دوره اسلامی به وجود آمده و رونق گرفته است، قبل از هر چیز زیبا و ظریف (لوکس) است و از این حیث شبیه کلیه سبکهای فنی و صنعتی اسلامی است؛ و در واقع در مجرد ساختن موضوعهای تزئینی و دور ساختن آنها از اصل و شکل طبیعی نیز شباهت کلی به فنون و صنایع اسلامی دارد. (یعنی جمع و ربط بین موضوعات و توزیع آنها، به طوری که بیچیدگی و مهارت و تجدد و ابتکار بدون آنکه در خود موضوعات تأثیر کند و آنها را از ذوق دور کند و یا به توافق و تناسب و انسجام و اتلاف آنها زبانی برساند، در آنها تجلی می‌کند) عموماً موضوع نقوش تزئینی ایران را در دوره اسلامی، می‌توان به پنج قسمت تقسیم نمود:

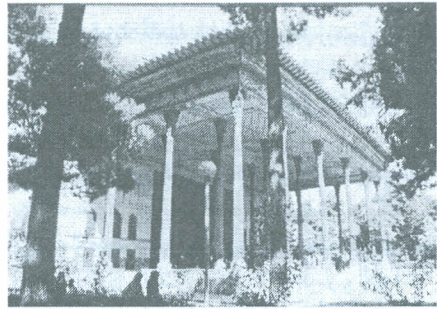
اشکال نباتی، تصاویر آدمی، تصاویر حیوانی، خطوط و کتابته‌ها، اشکال هندسی" (زکی، محمد حسن، ۱۳۷۷) که در تمام این شاخه‌ها تعادل، توازن و در نتیجه آرامش و وحدت مشاهده می‌شود. البته برای اثبات این ادعا راهی جز آشنایی با آثار تزئینی ایران و مقایسه آن با آثار هنری سایر ممالک نیست.

زکی محمد حسن "انجا دل گرفتگی است" و اینجا (باغها و کاخهای صفوی) دلگشا و فرح انگیز. از نظر معماری و فضا سازی تا حدی شبیه به قصرها و قلعه های بیزانس است (تصویر ۴). اما تزئینات آن بخصوص کاشیکاریها از هنر صفوی اصفهان الهام یافته است. (تصویر ۵)



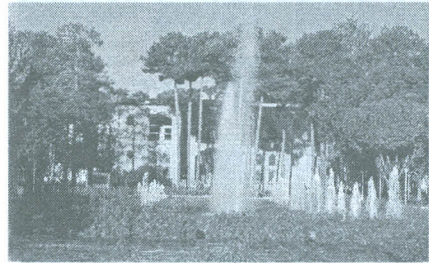
تصویر ۴: سردر کاخ عالی قاپو (توپ کاپی) - استامبول

تزئین نوعی تقلید از طبیعت است. در خلقت انسان و سایر موجودات و همچنین در خلقت آسمانها و زمین تزئین وجود دارد. بنابراین، انسان به تقلید از طبیعت، در زندگی خود به آراستن خویش، از نظر سر و وضع ظاهری و لباس، آراستن و پیراستن خانه و وسایل و ابزار روزمره زندگی می پردازد و سعی می کند که محیط زندگی خود را با الگو برداری از طبیعت و آنچه بدان علاقه مند است، زیبا سازد. مثلاً گلستان گل بر طاقچه اتاق یا روی میز می گذارد. پرده و رومیزی مزین به نقش آب و گل و گیاه یا پرنده انتخاب می کند. رنگ و نقشهایی که بر فرش و سایر اثاث خانه انتخاب می کند، تابلوهایی که به دیوار نصب می کند و ... همه این تزئینات برای زیبا جلوه دادن و احساس لذتی است که از شباهت و همخوانی با طبیعت حاصل می شود. البته این نوع زیبایی آفرینی تزئینی و احساس همدلی با طبیعت مربوط به گذشته هاست، یعنی زمانی که اقوام با فطرتی خالص و در ارتباط با طبیعت زندگی می کردند. اما در عصر مدرن که این ارتباط ضعیف شده، سلیق و علایق مردم نیز دگرگون شده و تفکر جدید و به دنبال آن مبانی هنر جدید از طبیعت و واقعیت فاصله گرفته و زیبایی آفرینی شکل دیگری به خود گرفته است که به برخی از نظریات جدید در این خصوص اشاره خواهد شد. تزئین به معنای چیزی اضافه شده، تجملی و تحمیلی بر هنر نیست. بلکه در هنرهای

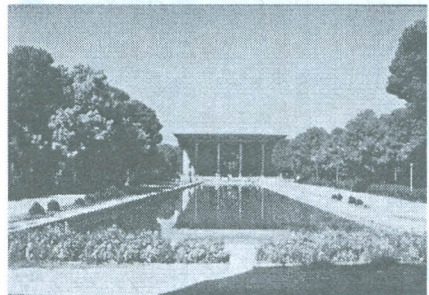


تصویر ۱: عمارت چهلستون - اصفهان

برای مثال تنها به چند نمونه به شکل مقایسه ای اشاره می شود که در این مقاله فرصت تجزیه و تحلیل آن نیست. در مقایسه مجموعه توپ کاپی استامبول که نمونه ای از هنر عثمانی است، با مجموعه نقش جهان و چهل ستون (تصویر ۱) و کاخ هشت بهشت (تصویر ۲) در اصفهان که هنر عصر صفوی است، شابهتها و تأثیر پذیری هنر عثمانی از صفوی مشهود است.



تصویر ۲: باغ و عمارت هشت بهشت - اصفهان



تصویر ۳: باغ و عمارت چهلستون

اما آنچه باعث تفاوت و برتری معماری و تزئینات ایرانی است (تصویر ۳)، ظرافت و تناسب متعادل و موزون ایرانی است. همچنین حال و هوای منظر معماری و باغ ایرانی در چهل ستون، هشت بهشت و عالی قاپو است که در عالی قاپوی استامبول (توپ کاپی) دیده نمی شود. بنا به تعبیر

در این سوره نیز از آنجا که این سوره در روزهای شنبه و چهارشنبه خوانده می‌شود

تفسیر: این سوره که در روزهای شنبه و چهارشنبه خوانده می‌شود

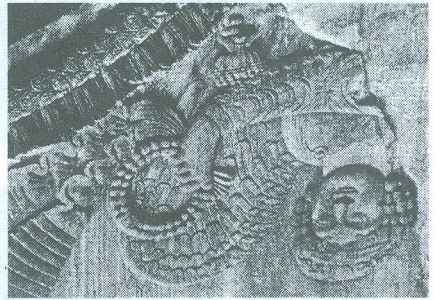
در این سوره از آنجا که این سوره در روزهای شنبه و چهارشنبه خوانده می‌شود

تفسیر این سوره که در روزهای شنبه و چهارشنبه خوانده می‌شود

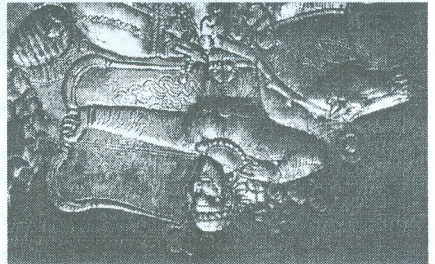
در این سوره از آنجا که این سوره در روزهای شنبه و چهارشنبه خوانده می‌شود

تفسیر: این سوره که در روزهای شنبه و چهارشنبه خوانده می‌شود

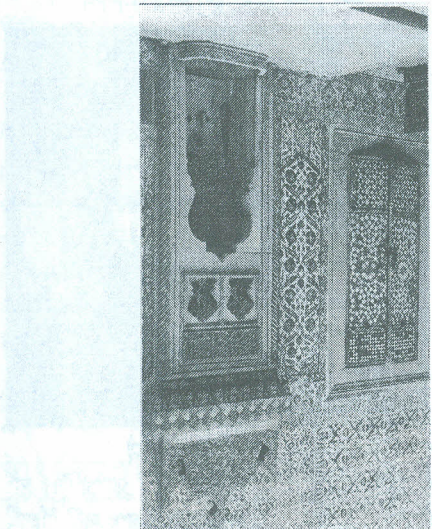
تفسیر این سوره که در روزهای شنبه و چهارشنبه خوانده می‌شود



تفسیر این سوره که در روزهای شنبه و چهارشنبه خوانده می‌شود



تفسیر این سوره که در روزهای شنبه و چهارشنبه خوانده می‌شود



تفسیر این سوره که در روزهای شنبه و چهارشنبه خوانده می‌شود

خواهد بود بنابر این تزئین اثری کار تلف شده است و بدین طریق ساعت نیز از بین می رود همیشه چنین بوده است. از آنجا که تزئین از نظر ارگانیک بیشتر با فرهنگ ما در رابطه نیست به همین لحاظ دیگر بیانگر فرهنگ ما نیز نمی باشد لوس از مدرنیست‌هایی است که به شدت با تزئین مخالف است و آن را امری احمقانه، غیر اقتصادی و خلاف موازین دنیای مدرن می داند.

آدولف لوس در (برون) چک بنیاد آمد (۱۸۷۰) و در ۱۹۲۸ به وین آمد لوس با توجه به دلایل اقتصادی و تاریخی درباره تزئین صحبت می کرد او معتقد بود که فرهنگ نتیجه منصرف شدن از هیجانات است.

مبارزات آزادیخواهانه او در برابر روش‌های قرن نوزدهم راهی گشود برای معماران آینده.

یک قدرت روحانی است که انسان را به پرهیز از تزئین دعوت می کند لوس به طراحی معاصر حمله می کند، به همان شدت که به شیوه تقلیدی قرن نوزدهم، او به تزئینات مدرن (تقلیدی) به عنوان کوهی از زباله نگاه می کند که به وجود می آید و دیده می شود. لوس الگویی بود برای معماران سال‌های ۱۹۲۰ او می گوید: "تکامل یک فرهنگ برابر است با دور شدن از تزئینات اجسام مورد مصرف".

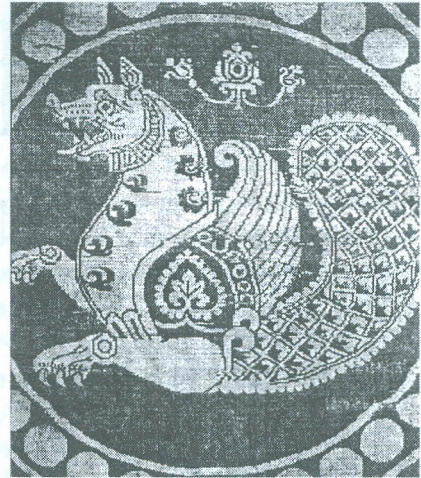
این عظمت زمان ماست. این زمان، موقعیت و زمان عرضه تزئین جدید نیست. ما بر تزئین فائق آمده ایم و به زمان بدون تزئین نفوذ کرده ایم انسانیت نمی بایست دوباره در احساسات تزئین سرخم کند انسانها به حد کافی بزرگ شده اند که تزئین در آنها احساس علاقه بیشتری ایجاد نکند به قدر کافی بزرگ که یک صورت خال کوبی شده احساس زیبایی را در ایشان کاهش بدهد نه به صورت یک انسان بلوی آن را افزایش بدهد.

انسان مدرن تزئینات فرهنگ‌های بلوی و غریبه را بر حسب اندازه و مقیاس خوشایند ایشان به کار می برد و او خلاقیتها و یافته های خود را بر روی چیزهای دیگر متمرکز می سازد. حال به نمونه هایی از زیبایی شناسی تزئینی هنر ایران باستان اشاره می شود.

زیبایی در قاشی ایران

تأمل در مینیاتورهای ایرانی نیز زیبایی شناسی خاصی را که مبتنی بر سلیقه تزئین گرای مردم ایران است، به اثبات می رساند نگارگری ایران، مناظری را به نمایش می گذارد

تزئین می گوید: "تزئین به مفهوم از دست دادن قوای کاری و از بین رفتن مواد است. عدم تزئین نشانه ای از قدرت روح است. انسان مدرن تزئینات فرهنگ‌های بلوی و غریبه را بر حسب اندازه و مقیاس خوشایند ایشان به کار می برد او خلاقیتها و یافته های خود را بر روی چیزهای دیگری متمرکز می سازد. برخی از نظریات عصر جدید در خصوص تزئین و زیبایی شناسی بدون تزئین چنین است." (لوس، ۱۳۸۲)

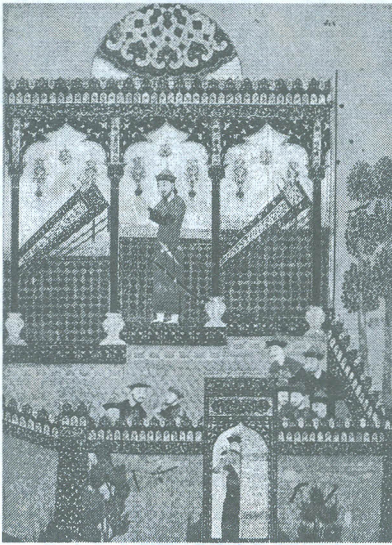


تصویر ۸: پارچه ابریشمی ساسانی با نقش سیمرخ افسانه ای

لویز اچ سولیوان: ما برای مدتی بهتر است تزئین را کنار نهاده و خود را تماماً بر روی بنا کردن بناهایی با فرم‌های زیبا و ساختمان‌هایی روشن متمرکز کنیم.

تکامل یک فرهنگ برابر است با دور شدن از تزئینات اجسام مورد مصرف. ما بر تزئین فائق آمده ایم و به زمان بدون تزئین نفوذ کرده ایم. اتفاقی که گوته در آن مرد با شکوهرتر از تمامی قصرهای با شکوه رنسانس است و یک میل ساده زیباتر از تمامی قطعات حکاک شده در موزه هاست. کلام گوته زیباتر از تمامی تزئین‌های صحبت چوپان‌های شاعر است. تزئین قاعداً موجب گراتر شدن اشیاء می گردد عدم تزئین باعث کوتاه شدن مدت زمان کار و افزایش درآمد می شود حکاک چینی ۱۶ ساعت کار می کند در حالی که کارگر آمریکایی ۸ ساعت. وقتی که من به یک قوطی ساده همانقدر بیرلز کم برای یک قوطی تزئین شده تفاوت آن متعلق به زمان کار آن کارگرها

استادی و حسن انتخاب. وجود این صنعت در آثار فنی ایران شگفت آور نیست زیرا ایران ملتی است که در فنون و آداب و حیات اجتماعی دارای طبع و ذوق بسیار لطیف و عالی و ممتاز است و البته کسانی که مقام غزلیات حافظ و رباعیات خیام و قصص و حکایات سعدی را در ادبیات بین‌الملل درک کرده اند می‌توانند به مقام فنی ایران در میان فنون سایر عالم پی برده و ملتفت شوند در این فن چه جنبه اشرافی مزوج به دقت و ابداع و زیبایی و مهارت موجود است. علاوه بر این، ایران ملتی است که طبعاً دارای غریزه فنی (هنری) بسیار قوی است و زیبایی را در دست دارد و به همین جهت می‌توان گفت هر چیزی را که ایرانی در زندگانی به کار می‌برد مشمول لفظ فن (هنر) می‌شود، زیرا همه زیبا و قابل توجه است و چون ملاحظه کنیم می‌بینیم حتی صنعتگر عادی ایرانی در مصنوعات خود قانع به زیبایی و رونق کمی از اصول (هنر) فن نشده و می‌کوشد آن را تا آخرین درجه امکان زیبا و مطابق ذوق نماید.



تصویر ۹: تزئینات داخلی و خارجی بناها و اشیاء و آلات و ابزار رنگین با نقوش تزئینی در صحنه های مینیاتور

ایرانیان عشق زیادی به گل و چمنزار و باغچه های سبز و خرم دارند و از وصف و تعریف آنها در ادبیات و اشعار خود خسته نمی‌شوند و چون از این مرحله بگذریم، می‌بینیم همان مظاهر زیبای طبیعت را که دوست دارند یکی از عناصر اساسی تزئین و آرایش آثار فنی خود قرار می‌دهند (تصویر ۱۰) (زکی، محمد حسن، ۱۳۷۷).

که کوه و دشت و آسمان، درختان سرو و شکوفه های بهاری، بوته ها و گل و گیاهان رنگین، چمنزار و رودخانه و مرغیها، پرندگان در حال پرواز و ابرهای پيچان، حوض و فواره و بسیاری از عناصر طبیعت را در فضاهای ترکیبی از واقعیت و خیال جلوه گر می‌سازد رنگهای شاد و زنده با ترکیباتی عجیب و استثنایی که تنها ذهن خلاق و روح سرخوش نگارگر شرقی این چنین می‌آفریند این همه شکل، رنگ، تنوع، تزئین و پرکاری از سلیقه شرقی و با نگاه خاص ایرانی برمی‌خیزد در بحث آفرینش زیبایی با تکیه بر تزئین و تزئین‌گرایی باید به این نکته اذعان داشت که اقوام گذشته در شرق و غرب عالم به زیبایی آفرینی متکی بر تزئین قائل بوده اند.

هر قوم و قبیله با توجه به شرایط خاص جغرافیایی و محیطی و شیوه زندگی و علائق بر آمده از شرایط مختلف زیستی طبیعتاً سلیقه و دیدگاه خاصی را در آفرینش هنری خود و ارائه زیبایی اعمال نموده اند اما همانطور که اشاره شد همه اقوام به نوعی زیبا آفرینی تزئین‌گرا دست یافته اند موضوع بحث ما در این مقاله زیبایی و تزئین در هنر ایران است. بدیهی است که مقایسه زیبایی در هنر شرق و غرب و به طور اخص هنر ایران با سایر هنرهای اصیل شرقی مانند هند و چین و یافتن نکات اشتراک و افتراق آنها می‌تواند معیارهایی را در آفرینش هنری این اقوام مشخص سازد قاعدتاً آنچه در نوع بشر فطری است، در هنر اقوام مختلف یکسان به ظهور می‌رسد.

یکی از مشخصات بارز مینیاتور ایرانی، حضور معماری در صحنه های داستانی می‌باشد بسیاری از صحنه های نگارگری ایران که داستانهای عاشقانه، بزم و رزم یا کلاس درس و ... را نشان می‌دهد، در ارتباط نماهایی از ساختمان و معماری است. نمایش اتاقها، در و دیوار، پنجره، حصار باغ و دیگر قسمتهای بنا همراه با تزئینات رنگین از کاشیکاری، گچبری و آجرکاری به نمایش در آمده است. تزئینات رنگین معماری همراه با تزئینات داخلی ساختمان مانند فرشهای پر نقش و نگار، پردهها، چراغدانهای آویخته از سقف، همچنین آلات موسیقی، ظروف و اشیاء با ریزترین نقش و نگارها به تصویر کشیده شده است. به طوری که حال و هوای دوران را از هر حیث نشان می‌دهد (تصویر ۹).

عظمتی که در آثار فنی ایران مشاهده می‌شود عظمت ممتازی است، عظمتی مملو از دقت و خوش نوقی و

نتیجه گیری

زیبایی شناسی هنر ایران بر اصل تزئین استوار است. تزئین نوعی تقلید و الهام از طبیعت است که به اشکال گوناگون در هنر ظاهر می شود. طبیعت گرایی در تزئینات ایرانی و اسلامی ریشه در اعتقادات ایران باستان و تفکر اسلامی دارد. زیباییهای طبیعت در قالبهای هندسی و تریذی، رئالیستی و ناتورالیستی و سوررئالیستی در دوران مختلف هنر ایران از عهد باستان تا دوره قاجار و در شاخه های گوناگون هنری جلوه گر شده است.

از آنجا که باورهای مردم و اعتقادات دینی ایشان مبنی بر ستایش عناصر طبیعی بوده است، بدیهی است که این عناصر طبیعی به اشکال مختلف در هنرها جلوه گر شده است.

همانگونه که در شعر و ادبیات آمده است، مهمترین عناصر طبیعی که در ادیان باستان تقدس یافته و مورد ستایش قرار گرفته است عبارتند از: خورشید، ماه، کوه، چشمه، گیاهانی همچون سرو، گل آفتابگردان، نیلوفر، بَرَسْم و میوه انار.

منابع

- اسپیرن، آن ویستون. ۱۳۸۴، زبان منظر. ترجمه سید حسین بحرینی، مهناز امین، زلف انتشارات دانشگاه تهران.
- پیرنیا محمد کریم. ۱۳۶۹، شیوه های معماری ایران، چاپ و نشر بنیاد
- پیرنیا محمد کریم. ۱۳۷۱، آشنایی با معماری اسلامی ایران، چاپ دانشگاه علم و صنعت ایران.
- جولدی، شهرم ظهور رنگ در تزئینات مقبره خواجه انبک سلجوقی. مجله مدرس هنر، شماره ۱۳۸. دانشگاه هنر. دانشگاه تربیت مدرس.
- زکی، محمد حسن. ۱۳۷۷، هنر ایران. ترجمه ابراهیم اقلیدی، صدای معاصر. تهران.
- سجادی، علی. ۱۳۷۵، سیر تحول محرابه سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شوزی، آگوست. ۱۳۸۱، تاریخ معماری. ترجمه لطیف ابوالقاسمی. انتشارات دانشگاه تهران.
- کلارک، کنت. ۱۳۷۰، سیر منظر پرلزای در هنر. ترجمه بهنام خورن. نشر ترمه
- لوس، آلفرد. ۱۳۸۲، زیباشناخت. ترجمه سعید حقیر. شماره ۹.
- ویلبر، دونالد. ۱۳۶۵، معماری اسلامی ایران دوره ایلخان. ترجمه عبدالله فریاد. انتشارات علمی و فرهنگی.
- پوپه، آ. ۱۳۸۰، شاهکارهای هنر ایران. ترجمه پرویز نائل خلاری. انتشارات علمی فرهنگی. تهران.



تصویر ۱۰: طبیعت پرلزای تزئینی در مینیاتور ایرانی

معماران هنرمند ایرانی در باغسازی نیز این ذوق خود را نشان داده اند. باغهایی با زیباترین تناسبات از ترکیب آب و انواع گل و گیاهان ساخته اند؛ که الگوی آن مورد تقلید سایر ملل اسلامی قرار گرفته است. باغهایی با جویهای روان و درختان میوه و زینتی و گل و بوته هایی که بعضی جنبه دارویی داشته و برخی دیگر به منظور زیبایی و رنگارنگی و عطر و بوی آنان مورد استفاده قرار گرفته است. پیرنیا در خصوص باغسازی ایرانی می گوید: "سازندگان باغها همچنان که در سایر هنرها در آفرینش زیبایی و تزئین" از بیهودگی پرهیز داشته اند، در آرایش باغها نیز درخت، گل و گیاه را با منطق خاصی و به منظور معین استفاده کرده، هیچگاه بدون دلیل چیزی را نمی کاشته اند.

بعضی درختها برای ایجاد سایه بوده است؛ مانند سرو، کاج، ناورن، افرا، ارغوان و غیره. از درختان میوه دار از همه مهمتر توت بوده است و دیگر درختها مانند سیب، گلابی، آلو، هلو، زرد آلو و شفتالو نیز در باغها می کاشته اند. درخت انجیر را معمولاً در گوشه باغ می کاشتند. کاج و سرو و شمشاد را در دو طرف جوی آب، گلهای سرخ و محمدی برای گلاب دهی و خاصیت طبی و گلهای زنبق سفید همیشه بهار، شب بو و گل مشکبجه و غیره نیز هر یک علاوه بر زیبایی و رنگارنگی و تزئین باغ در جای مناسب خود قرار گرفته و خواصی داشته اند."